



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۳شنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

وزیر: سید محمد باقی

سال پنجم - شماره ۱۲۲۰

صفحه ۴۱۵۲

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۸۷

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین
جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۹
۲ - آگهی های رسمی » ۱۱

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت جلسات قبل
- ۲ - قرائت اسامی اعضاء چهار کمیسیون
- ۳ - بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی
- ۴ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای امیرحسین ایلیخان ظفر بختیار
(نایب رئیس) تشکیل یافت

۱ - تصویب صورت جلسات قبل

صورت مجلس جلسات قبل را آقای صدرزاده (منشی) شرح زیر قرائت کردند

شریف زاده - حاج امین - احمد فرامرزی - دولت شاهی
خسرو قشقائی

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: بیات - آشتیانی
زادمد کتر اعتبار - صاحب جم - مهدی ارباب - آقاخان
منصف - محمد علی مسعودی - دکتر آشتیانی - مسعود
نابتی - شهاب خسروانی - مشایخی - اسدی - صاحب دیوانی -
عرب شیبانی - صفا امامی

آقای شریعت زاده بعنوان اعتراض بر صورت
مجلس اظهار داشتند که در لایحه بازنشستگی دولت
منظور نمایندگان این بود که بایک شرط یا ۶۰ سال
سن ریاسی سال خدمت بازنشسته شوند ولی اکنون
که تصویب شده اینطور میرساند که با هر دو شرط باید
مقاعد شوند.

مجلس یک ساعت بظهر روز یکشنبه ۲۱ فروردین ماه
بریاست آقای امیرحسین ایلیخان نایب رئیس تشکیل
و صورت جلسه پیش قرار گردید.

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت

مجلس خوانده شده است:

غائبین با اجازه - آقایان: حسن اکبر - علی اقبال
بهادری - دهقان - دکتر امینی - عباس اسکندری
حسن مکرّم - نواب - رستم گیو

غائبین بی اجازه - آقایان: محمد حسین قشقائی
ملک مدنی - مهندس رضوی - اردشیر شادلو - جواد
عامری - فبادیان - تولیت - اورنگ - دکتر مظنی
موسوی - ابوالحسن رضوی - آصف بهار - صادقی - دکتر
مصباح زاده - تقی زاده - نیک پور - قهرمان - گلپادی

آقای وزیر دارائی در پاسخ اظهار داشتند که از
همان اول منظور دولت هم این بود که بازنشستگان
باید واجد هر دو شرط ۲۵ سال خدمت متوالی ریاسی
سال خدمت متناوب و ۶۰ سال سن باشند.

آقای حاذقی اظهار داشتند که در صورت جلسه
نوشته شده که لایحه مجلس سنا بکمیسیون مربوطه
مراجعه شد در صورتیکه اکنون مدت کمیسیونها منقضی
است برای جلوگیری از اتلاف وقت ممکن است
کمیسیون کشور را جهت رسیدگی بلاجه زودتر انتخاب
کنند و با اینکه مجلس رای بدهد که همان کمیسیونهای
سابق ابقاء و مشغول کار شوند.

آقای دکتر بقائی اشاره نمودند که قرار بود
دستور چاپ مراسله سرگشاده بنده بچاپخانه مجلس
داده شود ولی هنوز دستور داده نشده است دیگر اینکه
هیئت دولت برای شنیدن استیضاح حضور بهرسانیده
مجلس در مقابل با پیشنهاد و مطالب دیگر صرف وقت
نموده و حاضر با استیضاح نیست.

آقای رحیمیان مجدداً راجع بخدم حضور نمایندگان
در جلسه تذکری داده و آقای نایب رئیس اظهار
داشتند خود آقایان باید حاضر شوند با اجبار که نمیشود
آنها را حاضر نمود

۳۵ دقیقه بظهر چون عده برای مذاکره کافی
نبود جلسه بعنوان تنفس ختم و دیگر تشکیل نگردید
یکساعت و ۳۵ دقیقه بظهر روز سه شنبه ۲۳
فروردین مجلس بریاست آقای امیرحسین ایلیخان ظفر بختیار
نایب رئیس تشکیل گردید.

درین مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و هفتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۲۸ غائبین با اجازه - آقایان : ملک مدنی - حسن اکبر - ابوالقاسم بهبهانی - دکتر آشتیانی - ناصری عباس اسکندری - مکر - نواب .

غائبین بی اجازه - آقایان : محمد حسین قشقایی مهندس رضوی - اردشیر شادلو - جواد هارمی - قبادیان دماوندی - تولیت - اورنگ - دکتر معظمی - موسوی ابوالحسن رضوی - آصف - بهار - دکتر مصباح زاده تقی زاده - گلبادی - شریف زاده - احمد فرامرزی دولتشاهی - خسرو قشقایی .

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : گنابادی - دکتر طباطبائی - امیر تیمور - دکتر راجی - سلطانی - اسدی صاحب جمع .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مهدی ارباب محمد علی مسعودی - سزاوار - مسعود ثابتی - احمد دهقان - شهاب خسروانی - نیک پور - قهرمان - هراتی صاحب دیوانی - نیک بی .

آقای وزیر دارایی با توضیحاتی راجع به موارد نفت و اختصاص آن بپیرانه هفت ساله لایحه اصلاحی بودجه کشور را در این قسمت تقدیم داشتند .

آقای دکتر بقائی تذکر دادند که چون انتخاب کمیسیونها در پیش است استیضاح خود را بیهوده انجام آن موکول میدارند و آقای رئیس نیز با اشاره بماده ۱۵ نظامنامه گفتند استیضاح بعد از انتخاب کمیسیونها بعمل خواهد آمد موسیس آقایان شریعت زاده ملک پور ، یمن اسفندیاری ، امیر تیمور و ابوالحسن صادقی برای نظارت در انتخاب کمیسیونها بقرعه معین شدند و انتخاب کمیسیونهای دارایی - دادگستری امور خارجه - کشاورزی پیشه و هنر و بازرگانی - فرهنگ بهداری - راه - نظام پوست و تلگراف بعمل آمد و استیضاح مطرح گردید نخست آقای مکی گفتند روش پارلمانی خود را بنمایان و وظائف نمایندگان انتخاب کرده اند و تا آخرین روز نیز تغییر نمیدهند و چون بکلام الله مجید در حفظ قانون اساسی و اصول مشروطیت قسم یاد کرده اند از عملیات خلاف قانون دولت استیضاح میکنند و مواد استیضاح را قرائت نمودند عبارت از توقیف آقای کاشانی و جرایم و مدیران آنها و توضیح شرحی که در اطراف مواد مذکور نگاشته بودند نسبت بتبعیید آقای کاشانی قبل از مبادرت بعمل خلاف قانون و نسبت بتوقیف جرایم قبل از نشر مطالب خلاف مصلحت معترض بودند و در این قسمت اظهار داشتند روزی جرایم توقیف شده که مملکت بیشتر از هر وقت بآنها احتیاج دارد مخصوصاً در موضوع نفت و بانک شاهی و نیز وضع حکومت نظامی را با حکومت نظامی دوره های پنجم و ششم مجلس و جرایم سالهای ۳۰۲ و ۳ و ۴ و ۱۹۰۵ را با جرایم امروز مقایسه نموده گفتند وقتی فشار از حد خود گذشت منجر با فحشار میشود و ضمن قرائت قسمتی از کنفرانس یکی از وزرای انگلستان راجع باعمال زور و اختفای حقایق و طریق تشخیص جرم و تمییز مجازات و آزادی عمل در حکومت دمکراسی منع انتشار عریضه سرگشاده آقای دکتر بقائی در چایخانه مجلس اشاره و اعتراض نمودند و در خاتمه تأکید کردند که آزادی جرایم و مطبوعات بمصلحت مملکت است و در غیر اینصورت خون ملت را بشیعه خواهند کرد .

آقای دکتر بقائی اظهار داشتند دولت باید قبل

از خاتمه اسفند باستیضاح ایشان پاسخ میداد و چون حاضر نشد عریضه سر بسته ای به پیشگاه اعلیحضرت همایونی تقدیم داشته و بیکروز قبل از آغاز انتخابات مجلس مؤسسان عریضه سرگشاده ای تقدیم کرده اند سپس شرحی از عدم نشر عریضه در جرایم و ممنوعیت چاپخانه ها در طبع آن و عدم امکان چاپ آن در چاپخانه مجلس بیان داشته عریضه مذکور را قرائت نمودند که در اینموقع خطیر برای اثبات حیات ملت ایران ندای حق و آزادی را بگوش جهانیان میرسانند و نیز از جریان انتخابات مجلس مؤسسان و خطر بی عدالتی و تعطیل مطبوعات و محرومیت متهمین از حق قانونی در دادگاههای نظامی و اجرای تصویبنامه ها بدون رعایت رفاه ملت و صرف اعتبارات دولت بمنظور های خصوصی و مداخلات مقامات نظامی و تلگراف های مربوط بمجلس مؤسسان که با منویات مقدس ملوکانه وفق نمیدهد شرحی از عریضه مذکور قرائت کردند همچنین بشرحی که از طرف رنه کاسن قسمت عمده آن نیز مخالفتند و این مقالات نه تنها مبنی بر تبلیغ مرام اشتراکی است بلکه بمقام سلطنت و مذهب و مجلس شورای ملی و مشروطیت ایران نیز اهانت شده است و اعتبار نامه آقای استرجانی بعلم نشر این مقالات در روزنامه داریا از مجلس رد شده ، نویسنده این مقالات آقای سرهنگ مهدی دادستان دادگاه نظامی است که در دو سال اخیر اظهار عقیده کرده است و اگر قانون عطف بما سبق کند نویسنده این مقالات نیز مشمول و مورد تعقیب است و دولت نباید عرض و ناموس و آزادی مردم را بدست چنین کسانی بسپارد ، سپس اوراقی از پرونده استعلامی مشار الیه در ارتش قرائت نمودند که فراری و مورد تعقیب بوده و در هفتم بهمن ۲۳ از ارتش اخراج شده است . همچنین شرحی راجع بعملیات سرهنگ نامبرده در دیوان معاکمات ارتش که منجر بقتل سرهنگ خلعتبری گردید از روزنامه هماورد قرائت کردند و بعد ضمن علت تحصن خود در مجلس بعنوان عدم امنیت جانی قسمتی از روزنامه اطلاعات را راجع بسیلی خوردن آقای مهندس رضوی در صحن عمارت مجلس بوسیله سرهنگ برخوردار باز نشسته قرائت کرده گفتند پس از یکماه مشار الیه را با دو هزار تومان مساعده و حقوق گراف بریاست اداره تحقیقات و اطلاعات بانک صنعتی استخدام کرده اند و بهین موضوع است که از آقای ساعد استیضاح میکنم که در یکدستگاه قوی کشور چه احتیاجی بوجود این شخص بوده است ؟

در اینموقع آقای محمد علی مسعودی پیشنهاد نمودند که بعد از ظهر جلسه تشکیل شود و استیضاح خاتمه یابد .

آقای آزاد مخالف بودند و آقای رئیس اظهار نمودند با موافقت آقایان جلسه صبح فردا موکول میشود سربعد از ظهر مجلس بتفتیش خاتمه یافت یکساعت و پنجاه دقیقه بظهور روز پنجشنبه ۲۵ فروردین مجلس بریاست آقای امیر حسین ایلخان بختیار نایب رئیس تشکیل شد .

اسامی غائبین پنجشنبه ۲۵ فروردین ۲۸ غائبین با اجازه - آقایان : ملک مدنی - حسن اکبر - اقبال - عباس اسکندری - حسن مکر - غائبین بی اجازه - آقایان : محمد حسین قشقایی

آنتست که اشخاص بتوانند افکار و عقاید خود را بوسیله مطبوعات انتشار بدهند سپس قسمتی از مقالات مندرجه در روزنامه داریا را مربوط بروابط افراد و تشکیل اجتماع و تنظیم قوانین و ایجاد دولتها و اعمال حاکمیت در بین مردم و حقوق ملل در تغییر زماندا ران و اصول اداره امور خود همچنین نظریه فلاسفه و روحانیون و علماء اجتماع و سیاسیون معاصر را در منشاء تشکیل اجتماعات و دولتها و اختیارات سلاطین قرائت نمودند در اینموقع جمعی از نمایندگان اعتراض کردند و آقای کشاورز صدر گفتند اجازه نمیدهیم در این جا تبلیغ مرام اشتراکی شود .

آقای رئیس نیز تذکر دادند که حزب توده و مرام اشتراکی در این کشور محکوم است .

آقای دکتر بقائی اظهار داشتند با تصدیق بیانات آقایان نمایندگان و اتخاذ سند از فرمایشات ایشان آنچه قرائت کرده اند عقیده ایشان نیست و با قسمت عمده آن نیز مخالفتند و این مقالات نه تنها مبنی بر تبلیغ مرام اشتراکی است بلکه بمقام سلطنت و مذهب و مجلس شورای ملی و مشروطیت ایران نیز اهانت شده است و اعتبار نامه آقای استرجانی بعلم نشر این مقالات در روزنامه داریا از مجلس رد شده ، نویسنده این مقالات آقای سرهنگ مهدی دادستان دادگاه نظامی است که در دو سال اخیر اظهار عقیده کرده است و اگر قانون عطف بما سبق کند نویسنده این مقالات نیز مشمول و مورد تعقیب است و دولت نباید عرض و ناموس و آزادی مردم را بدست چنین کسانی بسپارد ، سپس اوراقی از پرونده استعلامی مشار الیه در ارتش قرائت نمودند که فراری و مورد تعقیب بوده و در هفتم بهمن ۲۳ از ارتش اخراج شده است . همچنین شرحی راجع بعملیات سرهنگ نامبرده در دیوان معاکمات ارتش که منجر بقتل سرهنگ خلعتبری گردید از روزنامه هماورد قرائت کردند و بعد ضمن علت تحصن خود در مجلس بعنوان عدم امنیت جانی قسمتی از روزنامه اطلاعات را راجع بسیلی خوردن آقای مهندس رضوی در صحن عمارت مجلس بوسیله سرهنگ برخوردار باز نشسته قرائت کرده گفتند پس از یکماه مشار الیه را با دو هزار تومان مساعده و حقوق گراف بریاست اداره تحقیقات و اطلاعات بانک صنعتی استخدام کرده اند و بهین موضوع است که از آقای ساعد استیضاح میکنم که در یکدستگاه قوی کشور چه احتیاجی بوجود این شخص بوده است ؟

در اینموقع آقای محمد علی مسعودی پیشنهاد نمودند که بعد از ظهر جلسه تشکیل شود و استیضاح خاتمه یابد .

آقای آزاد مخالف بودند و آقای رئیس اظهار نمودند با موافقت آقایان جلسه صبح فردا موکول میشود سربعد از ظهر مجلس بتفتیش خاتمه یافت یکساعت و پنجاه دقیقه بظهور روز پنجشنبه ۲۵ فروردین مجلس بریاست آقای امیر حسین ایلخان بختیار نایب رئیس تشکیل شد .

اسامی غائبین پنجشنبه ۲۵ فروردین ۲۸ غائبین با اجازه - آقایان : ملک مدنی - حسن اکبر - اقبال - عباس اسکندری - حسن مکر - غائبین بی اجازه - آقایان : محمد حسین قشقایی

اردشیر شادلو . مهندس رضوی . معتمد دماوندی . رستم گیو . اورنگ . دکتر معظمی . موسوی . ابوالحسن رضوی . فرج الله آصف . محمد تقی بهار . دکتر مصباح زاده . نیک پور . گلبادی . شریف زاده احمد فرامرزی . ابوالفتح دولتشاهی . خسرو قشقایی ابوالقاسم امینی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر طباطبائی آشتیانی زاده . مهدی ارباب . دکتر اعتبار . تولیت سلطانی . آقاخان بختیار . منصف . نراقی . فرامرزی محمد علی مسعودی . سزاوار . ناصری . مسعود ثابتی . دهقان . اسلامی . شهاب خسروانی . دکتر امینی . اسدی . صاحب دیوانی . باتما نقلیج . کهد .

اعضاء کمیسیونهای ، کشاورزی ، فرهنگ دادگستری و کشور که انتخاب شده بودند قرائت کردند .

آقای رئیس اظهار داشتند روز شنبه برای مذاکره و تصویب دو دوازدهم جلسه تشکیل میشود و از جلسه یکشنبه نیز بقیه استیضاح خواهد بود

آقای دکتر بقائی از آقای نخست وزیر پرسش نمودند که نسبت بسرهنگ مهدی و برخورد دار چه تصمیمی اتخاذ نمودند همچنین از آقای وزیر دادگستری تقاضا کردند در محاکمه برخوردار نسبت بتوهینی که با آقای مهندس رضوی شده است تسریع شود و سپس ماده پنجم از فصل دوم قانون تشکیل دادگاه نظامی مصوب خرداد ۱۳۲۲ را قرائت نموده گفتند باید اعضاء دادگاه درجه دار باشند سرهنگ مهدی چون همردیف است و درجه ندارد نمیتواند دادستان باشد همچنین با قرائت ماده ۳۷ آیین دادرسی و کیفر ارتش گفتند طبق شماره ۵ این ماده چون تحت تعقیب است نمیتواند دادستان باشد و نیز بموجب چهل شماره مقالاتی که در روزنامه داریا نوشته است و اعتبار نامه ناشر آن از مجلس رد شد قانوناً نمیتواند دادستان باشد و خطاب با آقای نخست وزیر گفتند اکنون که دانستید سوابق این سرهنگ چیست باید او را از کار برکنار کرده باشید بعد بر اثر توضیحات آقای دکتر بقائی از ملاقات خود با آقای نخست وزیر و اظهار نظر نسبت بانقلاب آقای دکتر اقبال بوزارت فرهنگ جمعی از نمایندگان اعتراض نمودند فرقه ۱۶ ماده ۱۲۹ نظامنامه توسط آقای فولادوند قرائت گردید و ۵ دقیقه قبل از ظهر متنس داده شد مجدداً پنج دقیقه بظهور مجلس بریاست آقای بختیار نایب رئیس تشکیل شد .

آقای رئیس اظهار داشتند اکثریت نمایندگان شکایت و پیشنهاد کرده اند که ناطق هفت جلسه از مذاکره ممنوع شود ولی چون میخواهم استیضاح ایشان در محیط آزاد صورت گیرد تقاضا کرده ام که ضمن مذاکرت بکسی توهین نشود والا جدا جلا گیری خواهد شد ناطق باید استیضاح خود را بهمین مطالبی که میخواهند دولت جواب بدهد اختصاص دهند

آقای دکتر بقائی با توضیحاتی در موضوع اهانت و لزوم تعریف آن و آنچه بین ایشان و نمایندگان گفته شده گفتند من دست از جان شسته ام و هر چه در دل دارم خواهم گفت و تا مطالب خود را نکویم از مجلس خارج نخواهم شد سپس راجع با آقای دکتر اقبال و عملیات ایشان در وزارت فرهنگ شرحی بیان داشتند که بر اثر انتقال جمعی از معلمین وزارت فرهنگ برهم ریخت و بعد وضع معلمین در محکمه اداری اصلاح شد و اضافه نمودند که وزیر فعلی فرهنگ از ضلایات آقای

دکتر اقبال پیروی میکند و با آنکه دانشجویان از مذاخله در امور سیاسی بوسیله بخشنامه وزارت فرهنگ ممنوع شده اند تلگرافاتی راجع بمجلس مؤسسان مخابره نموده اند و پس از قرائت چند تلگراف از دانش آموزان و اشاره بسن آنها که بین هفت تا چهارده سال است گفتند تلگرافهایی از دانشجویان دانشکده های مختلف نیز هست که قرائت خواهند کرد .

۳ ربع بعد از ظهر جلسه بتفتیش خاتمه یافت و بصبح روز شنبه محول گردید و دستور دو دوازدهم مقرر شد .

نایب رئیس - آقای عامری بصورت جلسه اعتراضی دارید ؟

عامری - در جلسه گذشته بنده را غایب بی اجازه نوشته اند بنده یکماه مرخصی داشتم و بمسافرتی رفتم و بعد چون راه بسته بود موفق نشدم سر موقع حاضر شوم . این علت غیبت بنده است .

نایب رئیس - آقای دکتر راجی راجع بصورت جلسه نظری دارید ؟

دکتر راجی - خیر آقا بنده چندین جلسه است تقاضای نطق قبل از دستور میکنم و یک سؤالی هم از آقای وزیر امور خارجه کرده ام خواستم دستور بفرمائید که برای جواب حاضر شوند .

نایب رئیس - آقای آصف راجع بصورت جلسه فرمایشی دارید ؟

آصف - خیر ، خاطر آقایان مستحضر است که بنده بقصد دومامه مسافرتی کردم ولی حوادث این طور پیش آورد بالغ بر ماهه بنده ماندم و حالاهروقت آقایان اجازه بفرمائید گزارشی از مسافرت خود را میخواهم عرض بفرمایم .

دکتر بقائی - بفرمائید همین حالا بفرمائید .

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی فرمایشی در صورت جلسه دارید ؟

دکتر بقائی - بلی ، عرض کنم باوجود اینکه بنده خودم قائل بر رعایت اختصار در صورتجلسه هستم بوجود اینمخواستم استدعا کنم چون در اینمجلس یک القابی بینده داده شده استدعا میکنم اینهارهم در صورتجلسه ذکر کنند چون این جزء افتخارات من است که آنهم در صورت جلسه نوشته شود احق و دیوانه زنجیری و مردم که «و چارپایان برای کتابی چند» و در اینصورتجلسه هم قید بکنند .

نایب رئیس در صورتجلسه تفصیلی همه این مذاکرات هست (خنده نمایندگان)

دکتر بقائی - چون این جزء افتخارات بنده است خواهش میکنم در این صورتجلسه هم قید شود

نایب رئیس - آقای تقی زاده را هم در اینجا غائب نوشته اند و چون یک هفته مرخصی داشته از غائبین با اجازه محسوب میشوند آقای فرامرزی .

عبدالرحمن فرامرزی - بنده خواستم عرض کنم این پارزیت هائی که در مجلس داده میشود جزء صورتجلسه نوشته نمیشود و خوبست آقا هم صرف نظر بکنند .

دکتر بقائی - چون جزء افتخارات بنده است نمیتوانم صرف نظر کنم .

حاذقی - بنده در قسمت اول صورت جلسه تذکری دارم .

نایب رئیس - بفرمائید .

حاذقی - عرض کنم که در قسمت اول صورت جلسه که موضوع تصویب لایحه بازنشستگی بود جناب آقای وزیر دارایی يك توضیحی دادند که در خارج مورد مراجعه يك عده از کارمندان دولت شد که يك ابهامی دارد و آن این بود که فرمودند راجع بکارمندان دولت که به بازنشستگی میرسند دو شرط دارد یکی ۶۰ سال سن است و یکی هم حد اقل سی سال خدمت متناوب یا ۲۵ سال خدمت متوالی است . کارمندان میگفتند که سابق بر این از نظر مستخدمی که فوت میکرد در ضمن خدمت میگفتند اگر اینها ۲۰ سال خدمت متوالی یا ۲۵ سال متناوب سابقه خدمت داشتند حقوق بازنشستگی بورتیه آنها پرداخت میشد . حالا توضیح بفرمائید که حق مکسبه آن مستخدمینی که ۲۰ سال سابقه متوالی یا ۲۵ سال سابقه متناوبشان گذشت اگر فردا خدای نکرده مردند آیا اینها بورتیه شان حقوق بازنشستگی پرداخته میشود یا خیر ؟ این را توضیح بفرمائید .

نایب رئیس - آقای وزیر دارایی .

وزیر دارایی - این موضوع را در خارج هم با من بتفصیل صحبت کردند و آنروز که بنده عرض کردم و باز هم يك توضیحی دادم با آقای دکتر شفق که در این قسمت سؤال کرده بودند باز مجدداً مجبورم توضیح بدهم . نظری که از آوردن این قانون بود برای بازنشسته کردن اشخاص است و این نظر از خود عبارت قانون هم مفهوم میشود که مقصود اشخاصی هستند که در خدمت دولت بمناسبت طول مدت خدمت و زوادی سن از کار باید برکنار بشوند برای اینکه نمیتوانند کار بکنند ولی حقاً چون تمام عمرشان را در خدمت دولت گذرانیده اند طبعاً باید با آنها يك کمکی بشود و این موضوع پیش آمده بود که اگر میخواهیم روی پایه اش سابق اشخاص را متقاعد بکنیم ممکن است با وضع امروز زندگی برای آنها اسباب زحمت و صدمه باشد و نتوانند زندگی بکنند (صحیح است) پس بهتر است که اگر میخواهیم اشخاصی را که از کار افتاده اند برکنار بکنیم و مثل تمام مالک متمدنی دنیا يك سنی را برای تقاعد بکنیم ممکن است با وضع امروز زندگی بآنها داده شود که این حقوق تقاعد کافی برای زندگی فراموش بفرمائید که حقوق تقاعد از صندوق تقاعد پرداخته میشود نه از بودجه عمومی . صندوق تقاعد هم یعنی صندوقی که بنده و آقا و همه آقایان بآن کمک کرده ایم در طول مدت خدمتمان پس اگر ما میخواهیم این حقوق تقاعد رایبک اشخاصی بدهیم باید در نظر بگیریم که اولاً این صندوق تقاعد از بین نرود یعنی اینقدر هم ارفاق برای اشخاصی که میخواهند متقاعد بشوند قائل نشویم که در ظرف چند ماهی این حقوق تقاعد را بگیرند و بیرند و تمام شود و صندوق تقاعد بی پول بشود (صحیح است) باین جهت این فرضی که بنده آنروز در مجلس عرض کردم که آن اشتباه (با) و (با) را (واو) کردند که اشتباه نشود در خارج هم با بنده مذاکره کردند که خوبست دو مرتبه در مجلس مطرح کنید که بگوئیم برای متقاعد شدن یا همان ۶۰ سال باشد یا همان ۲۵ سال تذکری دارم .

خدمت و ۳۰ سال خدمت ولی من با آقایان عرض کردم که این کار هم برخلاف انصاف است و هم برخلاف نظر آن قانونی است که دولت بجهت آوردن است چرا؟ حالا توضیح میدهم در قسمتی که آقا فرمودند . اما مطلب اول آقایان اطلاع دارند که مقصود از این قانونی که ما بجهت آوردیم این اشخاصی که از کار باید برکنار شوند به نسبت زیادی نشان و طول خدمتشان (حاذقی - مربوط بتوفی نیست اینها) اجازه بفرمائید عرض میکنم، همه جا در دنیا یک سنی را برای تقاعد قائل میشوند که مستخدم بآن سن که رسید باید متقاعد شود چون هم کم کم بآمور است و هم کم کم بدستگاه والا اگر مقرر بفرمائید مثل وضع فعلی که بود تمام اشخاصی که در خدمت بودند ولو انشاء الله بسن صد سال هم رسیدند دلشان نمیخواهد از خدمت خارج بشوند و از یک طرف هم یک مدارس عالی ای این مملکت دارد که یکمده جوانهای تحصیل کرده از آن بیرون می آیند و اینها را دولت وارد خدمت میکند با آنها تا تأسف مجبور عرض کنم امروز که نود و یک درصد درآمد این مملکت خرج حقوق میشود بده مامور بودیم که هر سال میلیونها هم از خارج قرض کنیم و فقط حقوق بدهیم پس برای اینکه از این حال بیرون بیاید باید ناچار اشخاصی که از کار افتاده میشوند از کار برکنار بشوند پس باید برای اشخاص یک سن الزامی تقاعد قائل شدیم یعنی ۷۰ سال و یک سن تقاعد اختیاری یعنی ۶۰ سال و اصل سن اینست که برای متقاعد شدن باید مایه یک سنی قائل بشویم که سن تقاعد الزامی هفتاد و نسبت بقضات دیوان کشور و پزشکان ۷۵ بود و نسبت بسایرین ۷۰ سال . سن اختیاری که هم دولت در ظرف سه ماه میتواند آنها را متقاعد بکند و هم اشخاص میتواند تقاضای تقاعد بکنند ۶۰ سال است البته ما اگر این ۶۰ سال را سن اجباری و الزامی میدانستیم شاید ممکن بود که من با نظر آقایان موافقت کنیم ولی آقا اجازه بفرمائید که نمیتوانیم موافقت کنیم و قبول بکنیم و یک شرط بیائیم قائل بشویم و طبق این یک شرط بگوئیم متقاعد بشوند . یک مثالی بنده میزنم چون تمام اینها روی حساب است و اگر روی حساب باشد قضیه روشن است . یکمده ای بودند که در بازار کان بزازی داشتند و کان سقط فروشی داشتند یک موقعی اینها را برداشته آوردند وارد خدمت دولت کردند و اینها شدند عضواداره قماش عضواداره قند و شکر و از این حرفها . اگر ما فقط سن تنها را قائل میشدیم در ظرف این چند سال اخیر هم خیلی با نهایت تأسف باید عرض بکنم که برخلاف قانون استخدام و برخلاف صریح قانون یک رتبه هائی بلشخص دادند که تمام آنها یکی که شاید ۲۷-۲۸ سال سابقه خدمت دارند رتبه هشت هستند ولی آنها رتبه ۹ شدند (صحیح است) اجازه بفرمائید اگر ما فقط سن را قائل میشدیم ممکن بود که تمام آنها یکی که کارشان در بازار بزازی ذرع کردن بود تمام آنان نشان ۶۰ سال رسیده است و با آنها باید ماهی ۶۰۰ تومان حقوق میدادیم چون رتبه ۹ حقوقش ۶۰۰ تومان است این حقوق تقاعدش هم تقریباً در همین حدود ما میشود صد این اشخاص در حدود چهار پنج هزار نفر است و

اینها در ماهش میشود سه میلیون تومان سالی میشود سی و شش میلیون تومان حال سی و شش میلیون تومان از صندوق تقاعد که موجودیش ۴۱ میلیون تومان است بیآوریم بدهیم یکمده پارچه فروشی که آمده اند ۵ سال مستخدم دولت شده اند و حالا ۶۰ سال سن دارند این صلاح نیست . بالعکس اگر ما تنها ۲۰ سال خدمت بگیریم اشخاصی که ۲۰ سال سابقه خدمت دارند اگر واقفاً از اشخاصی باشند که حسابی وارد خدمت شده باشند ۴۰ سال بیشتر ندارند برای اینکه از سن ۱۸ یا ۲۰ سالگی وارد خدمت شده اند اینها الان ۴۰ سال بیشتر ندارند و در هیچ جای دنیا یک مستخدم ۴۰ ساله که تازه موقع تجربه آموختنش است و باید کار کند دولت اینها را متقاعد نمیکند برای اینکه دولت زحمت کشیده و این را تربیت کرده و حالا که موقع کارش است انصاف نیست گمراهی ۶۰۰ تومان بگیرد برود بی کارش و یک کار دیگر بکند در صورتیکه هنوز میتواند کار کند این انصاف نیست شما اگر یک نوکری داشته باشید که ده سال خرجش را بدهید نمیکند این نوکران برود جای دیگر برای اینکه تازه موقع کار کردن اوست پس نتیجه این عمل این میشود که اگر ما یک شرط قائل میشدیم صندوق تقاعد در ظرف شش ماه تمام میشد چون بنده حساب دارم اشخاصی که از امانت متقاعد میشوند در سن ۷۰ سالگی در حدود دو دست و هفتاد و هشتاد نفر هستند و فرض کنید اگر اینها ۲۵۰ نفر باشند ولو ۶۰۰ تومان هم حقوق بگیرند در ماه میشود در حدود ۱۵۰۰ هزار ریال و سالی میشود یک میلیون و هشتصد هزار تومان از صندوق تقاعد اشخاصی که ۶۰ سال سن و بیست سال خدمت متناوب و یا ۲۵ سال خدمت متناوب داشته باشند در حدود پنج شش هزار نفرند که اگر اینها هم تقاعد تقاضا کنند با ما می یانصد یا شصت تومان حقوق این میشود سه میلیون تومان و این خودش میدانید چطور میشود؟ در نتیجه صندوق تقاعد از بین میرود و گذشته از این یک توضیح دیگری هم دادم خدمت آقایان ما اگر این تقاعد را روی حقوق سابق بگیریم باز استدلال آقایان صحیح بود ولی امروز با حقوق و مزایاست یعنی یک کسیکه عرض کردم در ۱۳۱۹ پارچه فروش بوده حالا برای این رتبه های قلابی رتبه ۹ شده است و حقوق تقاعدی هم که برداخته روی میزان سال ۳۱۲ بوده حالا شما می آید متقاعدش میکنید و روی حقوق و مزایا میخواهد باو حقوق بدهید یعنی نتیجه این میشود که چیزی را که نداده از صندوق میخواهد بگیرد آنوقت تازه کار یکماه دو ماه نیست ممکن است انشاء الله سی سال دیگر عمر کند و مرتباز صندوق بخواهد استفاده کند (حاذقی - نظر جنابعالی درست است ولی منظور اینها نیست منظور آن توفی هائیت است که ۵۸ سال عمر دارند و میبرند) اجازه بدهید هنوز توضیحات من تمام نشده است همان قانونی هم که سابق میفرمائید اینجا یک قسمت را بجا بماند . سفسطه است و همان قانون سابق همین نظری را که آقایان فرمایند که ۶۰ سال سن ۲۰ سال سابقه خدمت داشته باشد اگر آنکسی که ۲۰ سال خدمت باید داشته باشد ۱۹ ساله ۱۱ ماه و ۲۹ روز داشت چطور میشد اگر میبرد؟ همان حرفی را که آنان آقا میزنید در باره او هم صدق میکرد . یا شرط دیگرش مثلا اگر بجای

شصت سال ۵۹ سال ۱۱ ماه و ۲۹ روز داشتو میرود چطور میشد؟ همین وضعی است که آقا میفرمائید . منتهی در قانون استخدام برای این قبیل اشخاص قید شده است برای اشخاصیکه بسن تقاعد رسیده اند وفوت میکنند دولت حقوق تقاعدی که بصندوق تقاعد پرداخته است بورت و او پرداخت خواهد شد . این قانون هست و بورت او هم پرداخت خواهد شد این شرط در قانون استخدام هست و هنوز هم هست پس هر روزی شما مقرراتی وضع کنید و مدت برایش قائل شوید کم و بیش همین نقص را دارد مطلقاً قانون میگناید که کسی که میخواهد استیفا بدهد ده روز وقت دارد یک کسی ممکن است حق هم داشته باشد ولی بجای روز دهم روز دوازدهم رفته باشد استیفا بدهد این حقش ساقط میشود (اردلان - باید بیه عمر بکنند آقا) قضیه بیه عمر البته نظر آقایان هست که یک لایحه ای آقای وزیر جنک آوردند و یک مذاکره ای هم با شرکت بیه ایران شده است نسبت بکلیه مستخدمین دولت (صحیح است) این مذاکره شده است و عنقریب لایحه اش را دولت بجهت تقدیم خواهد کرد نسبت بیه کلیه مستخدمین (اردلان - راه دیگر ندارد فقط باید بیه عمر بکنند) و اگر این لایحه تصویب بشود تمام این اشکالات آقایان از بین میرود .

نایب رئیس - آقای قبادیان در صورت مجلس فرمایشی دارید؟

قبادیان - بنده اجازه غائبی بی اجازه نوشته اند در صورتیکه در موقع تعطیل در حوزه انتخابیه خودم رفته بودم و بواسطه بارندگیهای شدیدو خرابی راه (آقای وزیر راه توجه بفرمائید) این بارندگیهای اخیر خرابیها و خسارت زیادی وارد آورده و مسافرین که در غرب بودند یا از تهران میخواهند بفرع بعزیمت کنند بواسطه همین خرابی راهها دچار وقفه میشوند و بنده با اینکه باینروز چهاردهم اینجا باشم و تصمیم حرکت داشتم ناچار شدم بیستم حرکت کنم و شش روز بواسطه همین مسدود بودن راه در راه توقف کردم . از آقای وزیر راه خواهش میکنم یک توجه عاجلی نسبت بخرابی راهها بفرمائید که رفع مزاحمت مردم بشود .

۲ قرأت اسامی اعضاء چهار کمیسیون

نایب رئیس - دیگر در صورت جلسه ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد) صورتجلسات قیل تصویب شد چند کمیسیون دیگر استخراج شده است که خوانده میشود .

(صورت اسامی اعضاء کمیسیونها توسط آقای صدرزاده (منشی) بشرح زیر قرائت شد)

کمیسیون بهداری - آقایان: دکتر ملکی . دکتر فلسفی . دکتر راجی . دکتر آشتیانی . دکتر مجتهدی . کامل ماکوئی . دکتر طبا . احمد فرامرزی . حسین وکیل . گلبدادی . گنجبای شریف زاده .

کمیسیون خارجه : آقایان: تقی زاده . دکتر معظمی . ناصر ذوالفقاری . دکتر متین دفتری . عامری . وثوق . بدین اسفندیاری . دکتر شفق کفانی . محمد حسین قشقایی . زنگنه . رفیع دکتر عبده . عباس مسعودی . مامقانی . برزین اقبال . رحیمیان .

کمیسیون نظام - آقایان : محمد ذوالفقاری . پالیزی . عباسی . غضنفری . صاحب دیوانی . قبادیان . عرب شیبانی . دهقان . شادلو . قهرمان . بیات بهادری .

کمیسیون راه - آقایان: ملکلی . امامی اهری . اخوان . نور الدین امامی . شهاب خسروانی . دکتر طبا . مکی . آشتیانی زاده . مهندس خسرو هدایت . دکتر ملکی . گلبدادی . اسلامی .

نایب رئیس - از آقایان خواهش میکنم که زودتر این کمیسیونها را تشکیل بدهند و هیئات رئیسه خودشان را تعیین بکنند که کارهای مجلس معوق نماند دستور جلسه امروز دو دوازدهم است آقای نخست وزیر فرمایشی دارید؟ بفرمائید .

نخست وزیر - آقایان نمایندگان محترم مجلس ۲۱ ماه تمام مجلس و دولت همیشه اوقات گرفتار استیضاح بودند (صحیح است) و کمتر بکارهای اساسی پرداختند (صحیح است) و البته تذکر آقایان راجع بنواقص و معایب کارها برای هر دولتی مفید و مؤثر است (صحیح است) استیضاح آقای دکتر قائمی نیز مربوط بسائلی است که در اطراف هر یک از آنها باید رسیدگیهای کاملی بعمل آید دولت مکلف است برای اصلاح امور قسمهای بلند بردارد و معاینه را که اشاره فرمودند مرتفع نماید ولی آقایان تصدیق میفرمائید این گفتگوها و استیضاحها و حرفهای زده میشود مورد استفاده دیگران قرار میگیرد تکرار گفتههای رادبوهای بیگانه و تکمیل پروندههای بیگانگان بر علیه ایران چه نفعی برای ملت ایران دارد (صحیح است) دولت معایب را در کارها میداند که آقای دکتر قائمی از خیلی از آنها اطلاعی ندارد و دولت سعی دارد کلیه آنها را اصلاح نماید (یکی از نمایندگان - انشاء الله) باینجهت دولت مصمم است تا استیضاح تمام نشود و دولت با جواب خود نظر نمایندگان محترم را تفهیم قیلا لایحه ای که مربوط بیودجه باشد تقدیم مجلس ننماید از مقام محترم ریاست مجلس تمنی دارم با آقای دکتر بقائی اجازه بدهند تا استیضاح خود را ادامه بدهند تا با جوابهاییکه دولت بایشان خواهد داد وضعیت خود را روشن نماید (صحیح است - احسنت)

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی بفرمائید استیضاح خودتان را بکنید .

دکتر بقائی - بنده یک پیشنهادی داده ام .

۳ بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی

نایب رئیس - وقتیکه دولت لایحه برای دوازدهم نیاوردند و خودشان تقاضای استیضاح میکنند یعنی حاضر برای طرح لایحه نیستند استیضاح خودتان را بکنید .

عبدالرحمن فرامرزی - آقای دکتر خواهش میکنم خلاصه بفرمائید که بده ها مدنشود که دوسه روز طول بکشند بفرمائید بفرمایید بفرمایید بهم چون بعدا ممکن است محدودتر بکنند .

نایب رئیس - بنده قبل از اینکه آقای دکتر شروع بفرمایند یک خواهشی از آقایان نمایندگان محترم اکثریت دارم که در موقعیکه ایشان صحبت میفرمایند بین صحبتشان صحبت نفرمایند و بگذارند با کمال آزادی صحبتشان را بفرمایند (صحیح است)

چونکه استیضاح شونده دولت است نمایندگان محترم حال قضاتی را دارند که باید بشنند و گوش بدهند و به بینند که استیضاح کننده حق دارد یا حق ندارد و قضات با نمایندگان محترم است اگر خودقضات بخواهند دخالت در بیانات استیضاح کننده بکنند درست در نیاید (صحیح است) اینست که استدعا میکنم بانهایت نزاکت داخل صحبت ایشان نشوند بگذارند حرفشان را بزنند اگر چنانچه استیضاح کننده از موضوع خارج بشود و با اتهامی بکسی بزند خود من جلو گیری خواهم کرد (احسنت)

قبادیان - خواهش هم بفرمائید که استیضاح را آقای دکتر زودتر تمام بفرمایند که مجلس زودتر شروع بکند بکارهای اساسی .

دکتر بقائی - قبل از اینکه وارد توضیح بشوم بنده یک مطلبی را عرض کنم حضور آقایان و آن اینست که من میدانستم و یقین داشتم که حقیقت همیشه فاتح خواهد بود ولی حقیقتش اینست که فکر نمیکنم باین زودی علامت فتح حقیقت ظاهر شود در برابر حملات مستندی که من بدولت کردم تاکنون دو حربه بکار برده اند یکی اینکه خواستند مرا عصبانی کنند ولی خوشوقت همان الهامی که در عریضه ای که پیشگاه مملو کانه عرض کرده بودم مرا مدد کرد مرا که یک آدم سریع التأثر و عصبانی هستم مدد کرد که حتی در مقابل شدید ترین توهینها موقف شدم بیاری خداوند و بیاری ارواح مقدس همان شهدائی که از طریق آنها افتخار گام زدن را دارم خون سردی خودم را حفظ کنم و این عمل امروز دولت حربه جدیدی است که بر علیه من بکار میرود زیرا استقبال بی نظیر مردم را از حرفهای من دیدند (مکی - حربه زنک زده است) (زنک رئیس) و دیدند که قلبهاییکه در سینه تماشای چنان و اکثریت نمایندگان میطید حرفهای مرا تصدیق میکنند (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست) اگر ثابت نکردم هر چه میخواهد بگوئید (گنجبای - موقع رأی معلوم میشود) بلی موقع رأی معلوم میشود ولی ملت هم میدانند از اینکه رأی داده بشود یا نشود آنها تیکه بدهند بفرمایند خوب قضاوت میکنند اینرا اطمینان داشته باشید که تاریخ اشتباه قضاوت نمیکند من اینها حرفهای میزنم آقایان هم حملاتی بمن میکنند ولی بروید در شهر بروید در بین مردم بطور ناشناس و حرفهای آنها را گوش بدهید و به بینید که حرفهای من چه میگویند و با اعتراضات جنابعالی آقای گنجبای چه میگویند و امیدوارم در عالم ارادتیکه بشخص شما داشتم همین تذکر برای کافی باشد باین حربه غافل گیر کردن متوسل شدند برای اینکه بین ملت و کسیکه از زبان او حرف میزند فاصله بیندازند آقایان نگاه کنید این لژها را دیروز هم همینطور بود جناب آقای ساعد سرتانرا برگردانید و نگاه کنید مردم میآیندند و حرفهای مرا میشنیدند برای اینکه دردهای آنها را میگفتم ولی امروز که من نیبایستی حرف بزنم هیچکس نیامد جز چند نفری که یقین دارم عمل با احتیاط کرده اند (بانام نقلیج - دور مرشد حسن هم جمع میشوند) خدمت شما هم میرسم دیروز هیچ حرف نزدید و میخواهم بگویم صرفه اش را بردید من خدمت شما میرسم خواهش میکنم آقایان در این قسمت مرا راهنمایی بفرمائید

دوستان عزیزم هر نوع انتقادی که از من بکنند و بنویسند خیلی متشکر میشوم ولی رویه حرف زدن را نمیتوانم تغییر بدهم و مختصر هم نمیتوانم بگویم آخر دود این ملت خیلی کشید نمیشود خلاصه بکرد هر قدر هم جرح خسته بعضیها بین صحبت بنده مثل ساعتی کفترش در میورد راه بیفتد هیچ تأثیری نمیکند اما یک موضوع دیگر اینست که میخواهند طبقه فهمیده این مملکت را طوری تحت فشار بگذارند که از گرسنگی ، از گرسنگی زنها و بچه هایشان نسبت بمن بدین شوند ولی من جناب آقای ساعد از اینهم از میدان در نیروم و یقین دارم که اکثریت قریب با اتفاق کارمندان دولت حاضرند دو ماه هم حقوق نگیرند ، گرسنگی بخورند و این حرفهای من زده بشوند میدانم که حقیقت دارد فاتح میشود اینکه شما از زیر آوردن طرح یک دوازدهم در رفته اید علامت ضعف است و الا آیا این معنی دارد که دولتی بعد از چهل و هشت ساعت فرصت نکرده باشد یک دوازدهم را بیآورد من با حسن نیت قبول کردم که در وسط استیضاح من لایحه یک دوازدهم مطرح بشود برای اینکه بیچاره گان هم میتوانند حقوق بگیرند ولی این را نقطه ضعف پنداشتند و گفتند که ما او را از این راه احساساتی تحت قید میگذاریم که زودتر حرفهایش را تمام بکنند جناب آقای ساعد من باید استیضاح را بگویم ولو تا آخر دوره یا زدهم طول بکشند از اینکه پرداخت حقوق موقوف بختانه استیضاح من باشد از میدان بدر نخواهم رفت حالا میل دارید بیائید لایحه یک دوازدهم را مطرح کنید میل ندارید به شنیدن و گوش بدهید (زنک رئیس)

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی استدعا میکنم داخل استیضاحتان بشوید .

دکتر بقائی - من داخل استیضاح هستم خواهش میکنم راهنمایی راجع با استیضاح نکنید .

نایب رئیس - من مجبور شما را راهنمایی کنم شما نباید از موضوع خارج شوید شما قدم میزنید و حرف خارج از موضوع میزنید استیضاح سابقه دارد استیضاح از دولت میرسد این را بد کردید آن را بد کردند .

دکتر بقائی - دارم میبرسم که بد کردید یک دوازدهم را نیاوردید .

نایب رئیس - من دارم یک مجلسی را حاضر میکنم که به شنیدن و استیضاح شما را بشنوند شما باید از رفتن خودتان خیلی متشکر کنید که گوش میدهند فرمایش آقایان بشنوند ولی شما هم داخل استیضاح بشوید مجلس آقا خیلی کار دارد میخواهد کارهای دیگر هم بکند .

دکتر بقائی - یکی دیگر از حربه هاییکه بر علیه من بکار میرند اینست که میخواهند احساسات مختلفه را تحریک کنند آقایان من بتمام ایلات ایرانی و بکردها و بلر ها و بیختریها و بقشاینها و بشاهسرها و تمام آنها سر احترام فرود میآورم و یقین دارم که هر ایرانی وطن پرستی هم همین عمل را میکند من باین ایلات و عشائری که در مواقع خود استقلال مملکت ما را حفظ کردند احترام میگذارم و تا آنجا تیکه خودم قدرت دارم اجازه نمیدهم کسی با آنها حمله کند ولی جناب آقای عباسی اگر من یک تلگرافی بخوانم از کردستان مقصود اهانت نیست من میدانم که امضاء کنندگان این تلگراف اشخاص شریفی هستند ولی

سوء تفاهمی برای جناب عالی حاصل شد و فکر کردید که پسران امضاء کرده اند نه پسران امضاء کرده بودند در آمریکا هم بجهت استنش بین هفت سال و چهارده سال است نمیتواند اظهار عقیده راجع به مؤسسان بکنند پس مقصود من توهین نبود و از این راه علیه من اگر تخریبی هم بشود مؤثر نخواهد بود یک موضوع دیگر هم در مجلس گذشته اتفاق افتاد که خواهش کردم در رادیو یا هیچ نگویند یا همه چیز را بگویند ولی پریش بگفتند: آقای طباطبائی تشریف داشته باشید.

طباطبائی (معاون نخست وزیر) - بنده هستم آقای دکتر بقائی - در رادیو گفتند که دکتر بقائی همه اش مجلس توهین کرد اگر جرات دارید دستور بدهید در رادیو بگویند دکتر بقائی چه توهینی کرد و ضمناً هم فرمایشات بعضی از نمایندگان محترم را نسبت به من بگویند ، بگویند در رادیو که جناب آقای احمد دهقان نماینده محترم خلخال بدکتر بقائی گفت مرد که تو غلط میکنی و در رادیو بگویند که جناب آقای ابوالفضل حاذقی نماینده محترم چه هم گفت احق دیوانه زنجیری بگویند که جناب آقای عباسی نماینده محترم گفت چارپائی بر او کتابی چند اگر جرات دارید بگویند آنها را هم در رادیو بگویند فقط نگویند دکتر بقائی همه اش توهین کرد و برای اینکه من جلوی ملت ایران و جلوی نمایندگان شریف این مجلس یک وضعیتی را روشن کنم راجع بیک موضوع هم حرف زدم و الان میخواهم عرض کنم در اظهار مرحمتی که جناب آقای عباسی ببنده فرمودند علاوه بر آن شعر شیرین سمدی که به بنده فرمودند و من افتخار میکنم فرمودند ، پیشرف احق بن فرمودند من مخصوصاً هیچ نگفتم که بینم آیا اینهم توهین تلقی میشود و آیا راجع باین بازخواستی میشود یا نه ؟ ولی دیدم که اینهم توهین تلقی نشد و من متعجبم که پیشرف احق هم بقول ایشان باشم و اینهم یکی دیگر از افتخارات من خواهد شد در یک مجلس مقدس یک نماینده محترمی لقب پیشرف احق بمن داد و کسی هم تعرض نکرد پس معلوم میشود که اینهم توهین نیست ولی از آقایان خواهش کردم که توهین را تریف بکنند تریف بکنند که من بدانم چه چیز توهین است و چه چیز توهین نیست (رحمیان) - فرمودید کسی تعرض نکرد مانع کردیم کسی ترتیب اثر نداد ، نه ، شما اقلیت هستید حرفتان قبول نیست عرض کنم یک حکایتی باز هم دارم میگویند یکی از رجال متنفذ پیش از مشروطیت پیغام داده بود برای عین الدوله که صدر اعظم بگویند یایت را از روی دهم باردار عین الدوله جواب داده بود که باقا عرض کنید حدود دشمنان را تعیین بکنند ما هر جا میگذاریم دم آقا است حالا خواهش میکنم حدود توهین را تعیین بکنید من آمدم اینجا در مقابل این مجلس مقدس و در مقابل دنیا و در مقابل ملت شریف و نجیب ایران پرده خیانتها و جنایتها و زودبها و زذالتها و بی همه چیزها را بالا بزم هر کسهای کمین میگویم یک جایی بر میخورد آقایان این حدودش را معین بکنند و بگذارند که من حرفهایم را بزنم و این راهم برای خانه دادن باین موضوع عرض میکنم کمین فالفکیر نیشوم و اگر در ساعت یک بعد از نصف شب هم جلسه تشکیل

بدهید و مرا بیدار کنید من اینجا هستم خانام هم دور نیست مرا بیدار کنید می آیم و حرفهایم را بزنم، کشته از بس که ترون است گفتن نتوان کرد . مطلب یکی دوتا نیست جناب آقای ابلیغان نابیر رئیس محترم هم فرمودند وارد استیضاح بشو و سؤالات بکن باین جهت بنده هم سؤالات را میکنم . از جناب آقای ساعد و از دولت شما سؤال میکنم در قبال هراش من که در جلسات گذشته معروض افتاد چه اقداماتی فرموده اید ، جناب آقای وزیر جنگ چه اقداماتی برای برکناری سرهنگ مهندسی از دادستانی نظامی و معاونت دادستان ارتش کرده اید ؟ جناب آقای وزیر اقتصاد ملی چه اقداماتی برای برکناری و معالوفت آقای سرخوردار سرهنگ باز نشسته ارتش و رئیس محترم فعلی اداره اطلاعات و تحقیقات که محض خاطر خطیر جناب ایشان ایجاد شده است فرموده اید ؟ جناب آقای وزیر دادگستری چه اقداماتی برای تعقیب آقای سرخوردار که در صحن مقدس مجلس شورای ملی بزرگترین اهانت را یکی از شریفترین عناصر ملی ایران نمود فرموده اید؟ جناب آقای ساعد از شما سؤال میکنم دولت شما در طی جلسات هیئات وزیران آیا باین مسائل خطیر و این خلاف عدالت ها بدلی توجهی نموده است ؟ جناب آقای ساعد که طبع بلند و پاکدامنی شما همواره زبان زد خاص و عام بوده است آیا وجدان مبارک شما در این چند روزه ساکت و آرام بوده است من خودم را بیهوده فریب نمیدهم البته برای من مثل آفتاب روشن است که دولت شما جناب آقای ساعد اگر چه دلائل و براهینی بنابه وحی منزل و کتاب آسمانی باشد بدان کوچکترین وقتی نخواهد گذاشت و کوچکترین اقدامی نخواهد نمود زیرا هر گونه اقدامی که بر اثر گفته های من و دلائل مثل آفتاب من بفرماید اقرار فصیح و بلیغی بگناهان کبیره و خطاهای دولت خود فرموده اید میدانم که هرگز چنین کاری نخواهد کرد و برعکس کوشش خواهید کرد اینکاخ عظیم فجاج و حصار مستحکم قانون شکنی را که خود یکی از بانیان و سازندگان آن هستید محکم حفظ و حراست کنید . و این بسیار طبیعی است که هر کس ساخته و پرداخته خود را عزیز و گرامی بشمارد . از حضور جناب آقای وزیر کشور هم سؤال میکنم با کمال احترام که چه اقداماتی برای متوقف ساختن این جریان مفتضح انتخابات مؤسسان فرموده اید ولیکن من بطرح این سؤالات در آغاز هر جلسه استیضاح میخواهم ملت ایران راهشیر کنم و با کثرت ملت که با وجود دارا بودن ثروت های هنگفت زیر زمینی ، گرسنگی میخورد و دائماً با عفريت جهل و بیماری و مذلت و بدبختی دست بگریبان و با این سؤالات میخواهم عناصر پاک دل و روشن ضمیر و عناصر بشر دوست و آزادی پرست دنیا ثابت کنم که دولت شما جناب آقای ساعد و اولیای حکومت مسئول ایران تا چه حد تواند در خطاها و گناهان خود نسبت به ملت و مملکت اصرار میورزند میخواهم با طرح این سؤالات ثابت کنم که شما آقایان برای اجرای منویات نامیسون دیگران یا بنظور ارضاء جاه طلبی های خود و بنظور آقا ئی کردن بیک ملت گرسنه و برهنه تا چه اندازه تن بقضا داده اید و تا چه اندازه خود را برای پایمال کردن

ساده ترین و ابتدائی ترین اصول مقدس مشروطیت آماده کرده اید . اینست آزادی رأی ، آزادی انتخاب آزادی گفتار ، آزادی اظهار عقیده ، آزادی مطبوعات و هزار آزادی دیگر میخواهم به ملت ایران و بجهانیان ثابت کنم که چگونه دولت شما و گردانندگان آن بدست خود ملت ایران گور ملت را میکنند و فرشته آزادی و عدالت را در قفس آهنین محبوس میکنند و از این فرمایشات هم که بفرمائید گفتن این دردها حربه به بیگانگان میدهد ، آنهم من از میدان بدر نمیروم جناب آقای ساعد ، من همینطور که عرض کردم با آزادی شیر خورده ام ، آزادی در عروق من جریان دارد . فراموش نکنید که من با هر نوع دیکتاتوری مخالف هستم و دیکتاتور ستالین در روسیه شوروی یکی از شدید ترین دیکتاتور های دنیاست که من طبعاً روحاً و جسماً با این دیکتاتور هم مخالف هستم و با حربه اش ، از بکار بردن رادیوهای بیگانه هم از میدان بدر نمیروم ، بروید بآن اشخاص مخصوصی که روز در میان رئیس ستاد ارتش را ملاقات میکنند ، بگویند بگویند که برای خاموش کردن صدای مظفر بقائی کرامانی باید چاره دیگری اندیشید . من شتر نقاره خانه هستم و از این صداها از میدان بدر نمیروم . حالا بر گردیم به بقیه صحبت های دیروزمان راجع بفرهنگ من مخصوصاً موضوع فرهنگ را در آن جلسه کوتاه آمدم زیرا انتظار داشتم که جناب آقای دکتر زنگنه هنگام خروج از جلسه بروند و استغای خودشان را بدهند و در آن صورت من هم دیگر برده سنگ نمی انداختم ، چون با سابق ارادت و دوستی که بایشان دارم نمیخواستم ایشانرا حذف حملات خود قرار داده باشم ولی افسوس ، افسوس که سحر صندل چنان ایشان را میگردد که تن بهر چیز میدهند و من همیشه بدرگاه خداوند متعال دعا میکنم که اگر بنا باشد یک روز سحر یک چیزی بتواند مرا بگیرد ، من دعا میکنم خدا یا بمن مرگ بده و نگذار که سحر یک چیزی جز سحر آزادی ، سحر حقیقت و سحر آزادی دوستی مرا بگیرد . همیشه این دعا میکنم افسوس ، من افلاطون را دوست میدارم ولی حقیقت را بیشتر دوست میدارم . صحبت راجع بمداخلات دانش آموزان و دانشجویان در امور سیاسی بود . من تلگرافاتی حضور آقایان محترم قرائت کردم بازم تلگرافات زیادی دارم که میخواهم بقوانم ولی آقایانی که علاقمند هستند که به پیوند در اثر مسامح حکومت جناب آقای ساعد ما تا چه حد در فرهنگ و تمدن پیشرفت کرده ایم ، بمن مراجعه کنند و ببینند که چطور بچه های ۹ ساله و ۱۰ ساله و ۱۱ ساله مثل بلبل مواد قانون اساسی را حلای کرده اند و لزوم اصلاح را تلگراف کرده اند . بیانده همه ببینند . من میخواهم وقت مجلس را بگیرم . اما جریانات عجیب و غریبی در فرهنگ به وقوع پیوست که اگر جناب آقای دکتر اقبال وزیر فرهنگ می بود من هیچ تعجبی نمی کردم چون پیش بینی کرده بودم ولی ، افسوس ، افسوس ، جناب آقای دکتر زنگنه که از وزارت شما این انتظار را نداشتم - انتظار نداشتم که دکتر زنگنه استاد دانشکده حقوق رئیس دانشکده حقوق ، کسی که خون پاک و شریف ایلی ، آقایان درست دقت کنید ، این علاوه بر ملی ، شریف تر از ملی ، خون ایلی در هروق و جریان دارد و این جور

تابع و امر بر باشد من جناب آقای دکتر زنگنه چند دفعه عرض کرده ام که بدون اتمام حجت صحبت نمیکنم . من خرابکارهای جناب آقای دکتر اقبال را در وزارت فرهنگ جناب عالی تذکر داده بودم و انتظار نداشتم که شما جناب آقای دکتر زنگنه تابع و امر واراده ایشان باشید . در اثر حوادث ناگوارگی که ...

نایب رئیس - تأمل بفرمائید اکثریت نیست (پس از لفظه ای اکثریت شد) بفرمائید

دکتر بقائی - عرض میکردم در اثر حوادثی که بعد از سانحه شوم ۱۵ بهمن که بجمه الله و بکوری چشم دشمنان ایران و بکوری چشم آنکسانی که میخواهند این ملت بیچاره بی پدر و بی سرپرست بشود بغیر و خوشی خانم پیدا کرد و خداوند متعال پادشاه محبوب ما را حفظ فرمود بعد از آن سانحه شوم یک جریانی در این مملکت پیش آمد کرد که میبایستی هم پیش آمد بکنند ، حزب توده غیر قانونی اعلام شد و میبایستی هم بشود بروید جناب آقای ساعد که مرا تهدید با استفاده دادن برادیوهای بیگانه میکنند . بروید حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شوید و بی رسید که من در چند وقت قبل از این ایشان تاریخش را برایتان معین خواهند فرمود این نظر را بایشان داده بودم بروید بی رسید نگویید که دکتر بقائی از آنها حمایت میکند بروید به آن کسانی که دستور میدهند در روزنامه ها با مضای افسران ارتش برخلاف مقررات ارتش جناب آقای سید امیر احمدی در ارتش بکفراتی هست که افسران حق ندارند در روزنامه ها چیز بنویسند شماره اش را من یادم رفته چندی قبل یک افسری را بجرم اینکه مدافعانی را که او کرده بود در محکمه نمایانم در کجا بوده که در روزنامه نوشته اند گفته اند چون ممکن است تو خودت این مدافعات را داده باشی بروز نامه ها بجرم اینکار او را از کار برکنار کردند ولی معاون دادستان ارتش و دادستان حکومت نظامی سرکار سرهنگ علی اکبر مهندسی در روزنامه گذشته از اینکه مرا مجرم قلمداد کردند نامه ای را هم ذکر کرده اند ولی من نمیگویم که این خط و نشان برای بعد از خانه مصونیت من است ، بلکه در آن مقاله نوشته است دکتر بقائی نماینده مایوس در صورتیکه همه میدانند که من مایوس نیستم مایوس آنکسی است که میروم در خانه اش می نشیند و گریه میکند مایوس آن کسی است که از میدان جنگ فرار می کند ولی کسی که در میدان جنگ مبارزه میکند نمیتواند مایوس باشد . برای من نوشته است نماینده مایوس . نماینده من عرض من اینها را توهین تلقی نمیکنم و شکایت هم نمیکنم این راهم جزو القاب و عناوین خودم ؛ فرمایشات جناب آقای دهقان نماینده محترم و سایر نمایندگان محترم روی کسارت و بی احترامی و روی سنک قهرم خواهم نوشت انشاء الله . اینها را هیچ کاری ندارم ولی گویا یک مقرراتی هست که یک درجه دار یک نظامی و منتسب به ارتش نمیتواند یک مقاله ای بنویسد این تذکری بود منظورم این بود که بعد از این جریان خواسته بودند مرا بچسباندند بجزب توده و در این مقاله هم تمام تکیه اش اینست که این استیضاح من کمک بتوده ایهاست من قضاوت این امر را بوجدان و شرافت فرد فرد شما و فردا ایرانیانی کس حرف مرا میشوند و یا میخوانند و گذار میکنند

جوابشرا هم نمیخواهم در قلب خودتان جواب بدهید آیا دکتر بقائی میتواند کمک بشود روس بکنند یا بنوکر انگلیس جوابشرا در قلب خودتان بدهید من میشنوم میدانم همه مطمن هستند که من دکتر بقائی فرزند مرحوم میرزا شهاب کرمانی از تمام این تهمت ها میرا هستم راجع باین موضوع هم دیگر صحبت نمیکنم دولت تصمصم گرفت کسانی که وارد حزب توده بودند یا منتسب بجزب توده بوده اند اخراج کند خیلی خوب این یک چیزی است خیلی طبیعی و یک چیزی است قانونی در آزاد ترین ممالک دنیا هم نظیر این عملی شده در این هیچ حرفی نیست ولی جناب آقای دکتر زنگنه من اینجا اسامی دبیران و آموزگاران را دارم که نه تنها منتسب بجزب توده نبوده اند نه تنها عضو حزب توده نبوده اند حتی بعضی از اینها را من شخصاً اطلاع دارم که جزء مبارزین با حزب توده بوده اند اینها را هم از کار برکنار کرده اند خودتان نمایانید چرا ولی من میدانم ، من میدانم اینها برکنار شده اند برای اینکه در دوران تصدی جناب آقای دکتر اقبال وزیر محترم کشور که در آنوقت وزیر محترم فرهنگ بودند اینها حاضر باطاعت کور کورانه نشده بودند اینها حق خودشان را مطالبه مینمودند آقایان برای خدا خواهش میکنم موضوع حق و آزادی را از حزب توده تفکیک کنید و دستور بدهید تمام توده ایها را بکشند ولی هر کس گفت حق نگویید این توده ای است ، هر کس گفت آزادی نگویید این توده ای است بخدا قسم که این حرفه مبتدلی است ، یک مرغ حقی اینجاست شها مونس من است دائماً حق حق میزنند اینهم توده ایست و دارد میگوید حق حق ، آقایان پیش از اینکه حزب توده بوجود بیاید پیش از آنکه کارل مارکس بوجود بیاید قبل از تمام این جریانات ما یک ملتی هستیم یک مذهبی داریم که تمام حرفش روی حق است ببینید ، دقت کنید ، توی این طبقات مختلفه مردم ایران از آن پائینی ها از آن دهاتی بدبخت بیسواد گرسنه ببینید این کله حقرا روزی چند مرتبه تکرار میکنند درویش میگوید یا حق همه میگویند حق ، مرغمان میگویند حق اینها که حزب توده نبوده اند ، آنوقتیکه ما حق میگفتیم ما افتخار داریم که کله حق تکیه کلام این ملت است ، شما بروید بفرانس ، انگلستان ، امریکای ببینید کلمات نظیر این را چقدر استعمال میکنند ... آقایان ما خدا را تحت عنوان حق میپرستیم ، این خیلی مطلب بزرگ و عظیمی بود که شما گفتیم این را سرسری نگویید و قدری در اطرافش فکر کنید ، آنوقت بکنید هم بنده ای وجدان گوش بدهید و سعی کنید که این حقرا کمتر با مال کنید جناب آقای دکتر زنگنه این معلوم نیست ، میخواهم اسمش را بخوانم میدهم خدمتتان تحقیق کنید گناه اینها چه بوده ؟ کدام توطئه را کرده بودند ؟ کدام حزب توده اسم نوشته بودند ؟ آقا پریروز یک معلم شریفی که ۲۵ سال سابقه خدمت معلمی دارد آمد در مجلس بدین سال معلم ۲۵ سال سابقه معلمی دارد آمد در مجلس بدین من با پای برهنه یعنی بدون کفش و من مخصوصاً توجه کردم که شاید خواسته احساسات مرا برقت بیاورد دیدم که نه ، معلوم است که مدهاست گرفتار است گل و - خاک روی آنست و بعد معلوم شد کفشهای خود را فروخته که دوا برای بچه اش بخرد ، اینست عدالت اجتماعی آقای ساعد ، یک معلم بعد از ۲۵ سال سابقه خدمت ، شما اینطور میخواهید مملکت را حفظ کنید

اینطور میخواهید سیاستمداری کنید ؟ آخر جناب آقای دکتر زنگنه آقای رئیس دانشکده حقوق ای مرد تحصیل کرده محترم ، شرافتی این ابلاهای انتظار خدمت را امضا میکنند فکر کنید که بیچاره گناهش چه بوده و در کدام توطئه شرکت کرده ؟ این گناهش فقط یک چیز بوده و اینست که وقتی آقای دکتر اقبال وزیر فرهنگ بودند حششان را مطالبه کردند لذا فوری بیرونشان کردند آخر اینها کدامشان توده ای بودند از این اسامی من خیلی دارم این یکی را خواستم که بروید و تحقیق کنید و پیش وجدان خودتان خجل شوید از اینکه کور کورانه دستورات دیگری را اجرا کرده که او خود دستورات رئیس ستاد ارتش را اجرا میکند (زنگ رئیس) .

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی نزاکت را رعایت بفرمائید .

دکتر بقائی - اطاعت میکنم ، عرض کنم بحضور مبارک آقایان که من گفتم هر چه در اینجا بگویم با مدرک و دلیل ثابت میکنم باز رفتیم بقضیه دهمان آقا ، گفتن حقیقت بی نزاکتی نیست بمن اخطار کنید که توی این حرفی را که زدی یا ثابت کن یا آنوقت از نزاکت خارج مشو . اگر من ثابت نکردم که جناب آقای دکتر اقبال دستورات تیسار محترم سپهبد رزم آراء را اجرا کرده است آنوقت بمن بگویند از نزاکت خارج شدی اول بمن بگویند ، بمن مرتکب احق پیشرف چاربا بمن بگویند تو این حرفت را ثابت کن ، دلیل بیاور اگر من دلیل نیاورم بگویند تو از نزاکت خارج شدی . یک شخصی است از دبیران فرهنگ با اسم مهندس مدایبی ، اولاً بنده این را جمله معترضه عرض کنم که من خودم کاملاً متوجه این هستم که کسانی که بن اطلاعات و مدارکی داده اند همان خطری که مرا تهدید میکنند آنها را هم تهدید میکنند و چون من میخواهم ایجاد خطر برای کسی کرده باشم راهها را بطوری گم میکنم که هیچ کس نمیتواند بفهمد که من اطلاعاتم را از کجا کسب کرده ام هر چند که یکی از وزرای محترم دولت حاضر ، دولت حاضر گفتم آن وزیر شاید حاضر نباشد ، روز اولی که همان مدارک قاطع و برنده را خواندم . از اینجا رفته بود پای تلفن و شنیده شد که با نظرفش میگفت . آخر دکتر بقائی این مدارک را از کجا آورده و شنیده شد که جناب آقای فروهر در بانک صنعتی فرموده اند من پدر آنکسی که این اطلاعات را داده در میآورم هر قدر از این زحمتهای بکشنه بی نتیجه است برای اینکه این اطلاعات را من از کسی نمیگیرم اینها را خدا میرساند . خدا حامی ضعف است ، خدا حامی مستکشان است ، خدا میبندد که دیگر این ملت نمی تواند تحمل دیکتاتوری نکند و این خداست که بدل اشخاص میاندازد که این اطلاعات را بمن بدهند که من خودم هم بشر اقامت قسم میخورم فکرش را نمیکنم باینجهت تا من یک اسبی میبرم فوری جناب آقای دکتر اقبال نگویید قلم فرمز جلوی بکشند من قسم میخورم که این مهندس مدایبی را که اسمش را برده ام ندیده ام و نمی شناسم این آقای مهندس مدایبی دبیر فیزیک و شیمی دبیرستان پهلوی در امتحانات تجدیدی شهریور ماه ۱۳۲۷ شکایتی بفرهنگ تهران میکنند که ضمن وارد کردن نمرات

امتحانات دولتی های مربوطه دیده شد که نمرات خردارامه ایشان بپس اطلاع و مجوزی دست خورده و تعریف شده است از طرف اداره کل فرهنگ تهران این موضوع تحت تعقیب قرار گرفت و معلوم شد که در حدود هشتاد درصد به هشتاد درصد کارنامه های دانش آموزان بپس اطلاع دبیران مربوطه از طرف اولیای دفتر تصحیح و کارنامه قبولی صادر شده است گزارش امر بمقام وزارت فرهنگ داده میشود و جناب آقای دکتر مهران استاد بنده دستور میدهند که چهار نفر متهم باسم اساموردی رئیس وقت دبیرستان ، زاوشی ناظم ملکوتی دفتر دار و علائی حسابدار بدادگاه اداری معرفی میشوند از طرف آقای آرام که من از این موقعیت استفاده میکنم که تجلیلی از او بکنم چون یکی از خدمتگزارترین افراد فرهنگ این کشور است و این راهم اضافه میکنم برای اینکه دست ییش نگیرد که به این آقای آرام یک وقتی عضو حزب توده بوده ، من با او بحثها کردم ولی بطوری آنتوزیاسه شده بود که از اعضای فعال حزب شمرده میشد رئیس دفتر دکتر کشاورز هم بود و وزارت فرهنگ و مدیر کل وزارت فرهنگ هم بود بعد از قضایای آذربایجان من آنچه هائی که با او گفته بودم برایش تکرار کردم گفتم دیدی که روسها منظورشان چه بود دیدی که میخواهند آذربایجان را ببرند و سایر جاها را هم ببرند و این شخص متنبه شد چون مرد با وجدانی است چون وقتی حقیقت را با او گفتم قبول کرد ولی جزو متشعبین رفت - حزب توده یک انشعابی پیدا کرد و عده ای میخواهند با آن عقایدی که باورشان بود بدون تماس با روسها ادامه بدهند ولی اینها را که تا دیشب وطن پرست و آزادیخواه بودند یک مرتبه بقول آن رادیه های بیگانه مستغنی از تعریف و توصیف از آن شب شدند مزدور بیگانه و استعمار طلب از انگلیس پول بگیر از نفت پول بگیر و این جریان همین جریان فحش هائی که رادیه مسکو و آن رادیه های دیگر بمنشعبین حزب توده داد خیلی خوب بود خیلی معنی دار بود برای اینکه کاملاً بیانات شوم آنها را نسبت بمملکت روشن کرد و از همین فحش هائی که داد اشخاص شریف زیادی را من مشتاقم افتخار دوستیشان را دارم اشخاص شریف زیادی را می شناسم که گول حرفهای فریبنده را خورند یک عده جوانهای شریف و با احساسات این مملکت را گول زده بودند . من اینجا یک تقاضائی دارم میدانم که در حزب توده یک عده معدودی خائن وجود داشت که نوکر روسها بودند و از روسها پول میگرفتند و کمک میکردند (صحیح است) ولی اکثریت جوانهائی بودند که تودهای شده بودند و در جهل بودند و حرفهای ظاهر فریب آنها را فریفته بود (صحیح است) باسم وطن پرستی حفظ استقلال مبارزه با استعمار آنها را فریب داده بودند (صحیح است) من روی تجربیات و اطلاعاتی که داشتم نرفتم و الا ممکن بود که منم رفته باشم و هر یک از این جوانها هم ممکن بود رفته باشند ولی یک عده شانس آوردند از اول چشمانشان روشن شد از یک عده ای هم دیر روشن شد ولی دسته ای دیگر بودند که چشمانشان روشن شد اما دیدند در موقعی که زده اند توی سر آنها اگر بیرون بیایند تا مردی است و مردانگی کردند و ماندند من یک چیز میخواهم

بشما تذکر بدم یعنی استدهای شخصی میکنم و آن اینست که بفرمائید بیرونه این هائی که حالا گرفته اند و آن ها را که بعد میگردد قضات از روی وجدان رسیدگی کنند و آن هائی را که گول خورده بودند با آتھائی را که از روی احساسات وطن پرستی و آزادیخواهی رفته بودند آن جا ، اینها را با آن خائنین توی یک گونی نریزند (صحیح است) اگر اعدامشان هم میکنند دوجا دفشان بکنند این را من استدعا میکنم (صحیح است) خلاصه صحبت آقای آرام بود چون من وقتی که رئیس فرهنگ کرمان بودم او بعنوان بازرسی مختار آمد آنجا و اولین دفعه هم که من در آنجا دیدمش در اصلاح اوضاع فرهنگ و اوقاف آنجا یک کمک عجیبی بمن کرد که این چنین بازرسی و این چنین رئیس فرهنگی هم با هم کمتر پیدا میشوند و این از افتخارات من است این آقای آرام عضو حزب توده بود این را من گفتم که نباید بگوئید که بلی دیدی این شخص توره ای است آقای آرام عضو حزب توده بوده رئیس دفتر دکتر کشاورز بوده است ولی مرد روشنی است وقتی که دید قضیه از چه قرار است جزو متشعبین شد و بعد هم رفت کنار حالا این یک ماه که جزه انشعاب بود آقایان تاریخش را معین بکنید بعد از این هیچ فعالیت سیاسی نداشت یکی از کارمندان شریف وزارت فرهنگ است ، آرام دادستان دادگاه اداری وزارت فرهنگ است ، ادعای نامه صادر کرده است و تقاضای انفصال این اشخاص را که من اسم بردم صادر کرده است دادگاه جرم این اشخاص را محرز دانسته است ولی از صدور حکم تعلیق خودداری کرده ، حالا این عمل یک توضیحی لازم دارد وقتی که در دادگاه اداری یک کسی محکوم میشود این شخص باید فوراً حکم تعلیقش صادر شود ولی این ملت راههای عجیب و غریبی پیدا میکند ، شما هر قدر که قانون بگذارید ، باز یک راهی پیدا میکند هم برای خویش و هم برای بدش حالا خواهید دید اگر برای استیضاح من امشب نصف شب جلسه تشکیل بدهید باز خواهید دید که یک مشت تماشاچی این جا نشسته اند ، چون یک عده می هستند که احتیاط میکنند خدا رحمت کند مرحوم سید هار رایکی از رفقایم تعریف میکرد میگفت ما با هم مسافرت میکردیم بزنی از زنی رفیقم بلوزان که برویم یک جای دیگر راه آهن در لوزان کورسید یا در پال نیدانم کجا گفت سه ساعت توقف داشت یعنی خط آهن سه ساعت توقف داشت ، گفتم دیدم که مرحوم سید هار چه اندیش را گذاشت آنجا من گفتم حضرت اشرف سه ساعت وقت داریم بفرمائید شهر را به بینیم ، ما که سه ساعت وقت داریم گفت نه آقا مناطی ندارم یک وقت شاید دلش خواست زود تر برود او یک عمل احتیاطی کرد ، حالا راجع باین یک دو از دهم آمدید که بنده را غافلگیر کنید دیدید که بنده غافلگیر نشدم ، حالا یک ساعت بعد از نصف شب بنده را احضار کنید و بگوئید که استیضاح خود را ادامه بده خواهید دید که باز یک عده عمل احتیاط کرده اند و می آیند اینجا میشینند چون این حرفهائی که من اینجا میزنم باید از اینجا خارج شود و مردم بدانند ، معذرت میخواهم از این پرانتز هائی که باز میکنم ، عرض کنم دادگاه اداری حکم تعلیق را صادر کرد ، می آیند نشست میکنند که خوب این دزدی کرده ، درست است پرونده اش را بفرستید

بدیوانگیر یمن او را در یاورند یک وکیل هم مین میکنند و میگورند پرونده او را از وزارت فرهنگ بگیرند ببرند بیرون کیفر آن هم خود آقایان میدانند که چطور میشود ولی من نمیگویم چون توهین میشود ولی اگر بگویم پرونده آنجا و کشورهای دیوان کیفر را بکنانید خیلی چیزها پیدا میشود که تماشائی است خلاصه بدون صدور حکم تعلیق پرونده را حاضر میکنند برای ارسال بدیوان کیفر بعد ابعث تذکر یکی از همکاران محترم من که الان هم حرفهای مرا گوش نمیدهد با هم رفیق هستیم این تذکر را هم داده با من هم دوست است من هم نگاهی بهش نمیکم که خجالت بکشد تذکری میدهم خدمت جناب آقای دکتر زنگنه که آن وقت پرونده را مجدداً باز میکند و حکم تعلیق آقایان را صادر میکند این دفعه عمل را وارونه میکنند و آنوقت پرونده را میفرستند بدیوان کیفر حالا موضوع تعجب آور این است که با وجود این که حکم تعلیق صادر شده و با وجود این که پرونده هم رفته بدیوان کیفر نامبرندگان از حقوق ماهیانه خود محروم نشده اند یعنی در حال تعلیق هستند و حقوق خدمتشان را هم میگیرند ، جناب آقای دکتر زنگنه اگر استعفا کرده بودید این حرف را من اینجا نیز دم چون این حرف من مستقیماً مربوط بشخص شما است و آن چیزهای دیگر که مربوط بشخص جناب آقای دکتر اقبال بود اینجا میگفتم ، کارهای شخصی خودمان را نمیگفتم و بعد از یکماه بنا سفارش یکی از آقایان وزراء که چون مدرک صحیحی در دستم نیست نمیتوانم اسم ببرم مجدداً حکم تعلیق لئو آقایان بسنجهای مختلف تعیین میشوند ، آقای امام وردی دبیر دبیرستان شرف ، زاوشی دبیر دبیرستانها ، علائی کارمند اوقاف ، ملکوتی دبیر ، من از آقایان معذرت میخواهم که اسامشان را اینجا بردم و این چیزها را اینجا گفتم چاره ای نداشتم چون برای گفتن دردهای یک مثالهای مسلمی باید پیدا کرد و یک چیز هم تذکر میدهم خدمت آقایان و آن اینست که من اگر یک مطلبی را گفتم نروید ابلاغ بتاریخ دو روز قبل از استیضاح من صادر کنید و بگوئید که بلی آقا ماریدگی کردیم دکتر بقائی در ۲۸ گفته و مادر ۲۶ ابلاغ کرده ایم این دیگر نمیگردد بقراری که ملاحظه کرده ایم متخصصین امریکائی گزارش میدهند که مردم سیستان علف میخورند در این موقع ، خلاصه راجع فرهنگ من اگر بخوام صحبت کنم مثوی هفتاد من کاغذ شود ولی برای اینکه زیاد از مطالب دور نرویم این قسمت را کوتاه میکنم ، فقط یاد آوری میکنم و سؤال میکنم جناب آقای دکتر زنگنه این یک بام دو هوا چیست ؟ از یک طرف دستور اکید و تعهد گرفتن از دانشجویان برای اینکه دخالت در سیاست نکنند ، از یک طرف این تلگرافات مفتضح ، شاگردان دبستان قانون اساسی تفسیر میکنند چرا شما اعتراض نکردید ، چرا شما نگفتید که از آنها بازخواست کنند ؟ ولی جوابش را از شما نمیخواهم برای این که میدانم اگر الان دستور میدادید پرونده مجرمانه وزارت فرهنگ را اینجا می آوردند بشما نشان میدادم که خودتان دستور داده اید که این تلگرافات تهیه شود ولی چون مدرک ندارم نمیگویم و حالا هم یاورید فایده ندارد اگر بخواید تمام مطلب را بگویم آنان مرقوم بفرمائید یکی از دوستانم را

سال پنجم - شماره ۱۲۲۰

میفرستم که آن پرونده را بیاورد تا من تلگراف را نشان بدم که وزیر محترم فرهنگ که تابع دستورات جناب آقای دکتر اقبال وزیر محترم کشور است برخلاف دستور سابق جناب آقای دکتر اقبال که دانشجویان و دانش آموزان نباید در سیاست مداخله کنند دستور داده است مداخله بکنند ، اظهار نظر بکنند ، آنوقت این انشاء های شیرین را برای ما فرستاده اند ، بچه های ۱۱ ساله که آقا چون من ماده ۴۴ را نمیخواهم عوضش کنید برای امضاء بری چون ، اینها مفتضح است آقا شما فرصت ندارید این تلگرافات را بخوانید ولی اشخاص فرصت داری در گوشه و کنار دنیا هستند که این تلگرافات را میخوانند ، جناب آقای ساعد رادیه های بیگانه از حرفهای من استفاده میکنند ولی ننگ این تلگرافات ما را مفتضح کرده است ، آخر چطور شده ، چه اتفاقی افتاده است که یک دفعه این ملت عقب افتاده و بی سواد ایران بقول بابا طاهر عربان امسیت کردید و اصحت عربی یک دفعه صبح بیدار شدند تمام بچه های دبستان فهمیدند که قانون اساسی خوب نیست باید قانون اساسی عوض شود باید ماده ۴۴ را عوض کنند ماده ۴۴ را عوض کنند چطور شد بچه نحوی صورت گرفت چرا جلو این اقتضاحات را نگرفتید شما فکر کنید این اعمال مفتضحت از حرفهای من نیست جناب آقای ساعد آخردر آمریکا هم ممکن است یک فضول باشی روزنامه بیفتد دستش و بخواند بگوید به به از این کشور ایران ، چه تمدنی چه تشعشعی ، چه سواد ، چه علمی ، چه دانشی در اثر حکومت فرهنگ پرور و معدلت گستر جناب آقای ساعد بچه های هفت ساله هشت ساله هم قانون اساسی میفهمند ، نواقصش را می فهمند ، تلگراف میکنند که باید تغییر بکنند ، باید اصلاح بشود باید مجلس مؤسسان تشکیل بشود ، خوب پس چرا آنها اجازه نمیدهند که بچه های هفت ساله بیایند رأی بدهند ، آنوقت تهران تعداد آرایش ده برابر میشود خیلی آسان است (حائری زاده - ده برابر شده که اینجا رسیده) این فرمایش علیجده است که بعداً وارد میشود کم کم وارد میشود یک دفعه نمیخواهم اسباب زحمت شوم من از جناب آقای دکتر زنگنه وزیر محترم فرهنگ استیضاح میکنم در موقعی که دانشجویان و دانش آموزان و دانشجویان دانشگاه در سیاست مداخله کردند چه اقدامی بعمل آوردید ؟ این استیضاح صریح است کلمه بکلمه سنجیده است باید بیاید جواب بدهید ولی جوابتان جز ضعف و بیچارگی چیزی نخواهد بود ، چیزی نخواهد بود

مذاکرات مجلس

آقایان از یک طرف در چند ماه پیش دانشگاه تهران یک عمل مفتضیحی کرد که من و امثال من را که افتخارمان معلمی در دانشگاه هست سرفاکنده کرد از دانشجویان تمهید گرفتند که در سیاست مداخله نکنند که مستخره ترین چیزی که در دنیا بشود فکر کرد در قرن بیستم اینست که بدانشجو بگویند تو در سیاست مداخله نکن ، آقایان یک عده ای از شما دانشجو بودید یک عده ای از شما تحصیلات عالی دارید جناب آقای دکتر اقبال وزیر محترم کشور یک وقتی جزو دانشجویان در فرانسه بودید دانشجو بودید الحمدلله جزو طبقه جوانان هستی الهی شکر ولی یک وقتی جوانتر بودید میدانید که دانشجو در آنوقتی که درس دارد میخواند میدانید در آن موقع تمام قوای عقلائیش دارد می شکند ، دارای یک احساساتی است دارای یک افکاری است او باید در سیاست دخالت کند ، باید دانشجو در سیاست مداخله کند آنوقت تا چند ماه پیش آن عمل تنکین مفتضیح را میکنند از دانشجویان تمهید میگیرید که در سیاست مداخله نکنند یک علت آنرا هم میدانم ، علتش اینست که تاریخ از اواسط قرون نوزدهم تا کنون ثابت کرد که جمیع عادات دانشجویان همیشه مدافع آزادی و استقلال کشورند وزیر بار زور نمیروند آقایان شاید بخاطر تان باشد دانشجویان سوس بودند یا مادرید که در مقابل دیکتاتوری فرانکو باصطلاح محاصره شدند و تا نفر آخرشان خودشان را بکشتن دادند و یک مثال دیگری که از آن مثالهای خوب است و بنده میدانم که آقایان از آن استفاده کرده اند برای این که چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا ، ترسیدن از این که اینجا هم دانشجویان نظیر دانشجویان پراک بشوند در پراک وقتی که آلمانها ، من اول خواهم ش میکنم از آقایان اگر اسم یک شهری را اشتباه گفتم این را حربه نکنند چون بحافظه خودم هیچ اعتماد ندارم ، هر چه یادداشت دارم و مدرک دارم درست است ولی آنچه که از تاریخ میگویم این را نگوئید که تو گفتی نابلتون دوم نابلتون سوم این را در نظر داشته باشید که دانشجویان پراک در مقابل سیل عظیم فاشیستهای آلمانی مقاومت کردند خوب طبعاً اینها میبایست نوده ای باشند ، چون در مقابل آلمانها بودند بعد روسها هم که آمدند در مقابل آنها هم ایستادند برای اینکه دانشجو دارای یک روح آزاد و بلندی است و من تأسف میخورم بحال آن بیچارگانی که وقتی که قدری یا بسن و یا بمقام میگذارند آن روح پاک و آزاده دانشجویی را از دست میدهند اینها بیچاره هستند باید بحال آنها گریست در هر صورت تا چند ماه قبل دستور میدهم ببینید این ضمیر میم کجا می رود چون اگر بگویم از کجا دستور میدهند میگویند

خارج از آنرا که است دستور میدهم که از دانشجویان در قرن بیستم تمهید بگیرند که در سیاست مداخله نکنند اگر یک دانشجویی روزنامه توی جیبش باشد از دانشکده بیرونش می کنند ، سه ماه بعد تمام دانش جوان می آیند میگویند ما مؤسسان میخواهیم هیچکس هم نیست که از آنها بپرسد مگر شماها تمهید ندادید که در سیاست مداخله نکنید آن تمهید چطور شد ، چرا دانشجویان تمهیدشان را زیر پا گذاشتند و من دولت جناب آقای ساعد را استیضاح میکنم باین که چه اقدامی کردند وقتی که دانشجویان تمهید رسمی خودشان را زیر پا گذاشتند شما جز این که سر تان را باین بیندازید و خجالت بکشید چاره ای ندارید ، موضوع فرهنگ تمام شد حالا بنده موضوع مؤسسان را شروع میکنم ، موضوع مؤسسان هم تقریباً سه ساعت طول میکشد و من هم چون بلفظ آقایان یک خواب مفصلی کردم حاضر هستم اگر آقایان حاضرند گوش بدهند عرض کنم (نمایندگان - بفرمائید) بلی بنده عرض کردم حاضرم نه خسته میشوم نه از میدان در میروم (اشاره به پیش خدمت) آب چطور شد دیگر آب را بر رویان ننیدید

همی - آزادی را بسته اند کافی است .

نایب رئیس - آقای همی اجازه ندارید بدون اجازه صحبت کنید آنوقت خود شما از من نظم مجلس را میخواهید .

دکتر بقائی - آقای همی رعایت کنید .

۴- تعطیل جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - یک نفر از آقایان پیشنهاد کرده است که امروز بعد از ظهر جلسه باش ، چند نفر هم از آقایان تقاضا کرده اند که از فردا صبح و بعد از ظهر جلسه بشود تا استیضاح تمام بشود بنده لازم بود عرض کنم چنانچه مکرر عرض کرده ام لوابح بسیار مفیدی در مجلس داریم که برای پیشرفت کارهای مملکتی خیلی لازم است و باید هر چه زودتر این کارها بگذرد مخصوصاً لایحه مجلس سنا که از شئونات مجلس است و مجلس باید خود این لایحه را تصویب کند این است که آقایان اگر اجازه بفرمائید از فردا یکشنبه صبح عصر جلسه باشد (نخست وزیر - از امروز مقرر بفرمائید) اشکال ندارد از همین امروز ، جلسه را بطور تنفس ختم میکنم مجلس امروز چهار و نیم بعد از ظهر معین میشود .

همی - من مخالفم .

دکتر بقائی - بنده عرضی دارم . (در این موقع سه ربع ساعت بعد از ظهر مجلس بعنوان تنفس تعطیل و ساعت شش و ده دقیقه بعد از ظهر مجدداً تشکیل یافت

نایب رئیس مجلس شورای ملی - ظفر ایخان

شماره ۲۱۱۶-۱۰۹۷
آقای سید محمد صادق جیلانی سردفتر اسناد رسمی شماره ۶۱ تهران
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شمارا از تصدی دفاتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء معلق مینماید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۱۱۴-۹۸۶
آقای زین العابدین انصاری سردفتر اسناد رسمی شماره ۴۴ تهران
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شمارا از تصدی دفاتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء معلق مینماید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۲۴-۱۱۵۲
آقای حسام الدین رجائی سردفتر اسناد رسمی ابرقو
 بموجب این ابلاغ دفاتر شمارا در قصبه ابرقو برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۲۶-۴۶۹
آقای سید مهدی رجائی ابرقوئی سردفتر ازدواج و طلاق ابرقو
 بموجب این ابلاغ بعلت عدم توانائی بانجام وظیفه از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معاف میشوید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۱۶-۱۱۳۹
آقای حسن شریعتی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق خمین
 بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما بشهر کلیایگان تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۲۲-۷۱۳
آقای محمد باقر محصل عابدینی سردفتر ازدواج و طلاق دهستان ازمدل اهر
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شمارا از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معلق مینماید
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۳۰-۹۲۷
آقای سید علی مجد سجادی سردفتر ازدواج و طلاق سنندج
 بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته میشود.
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۳۶-۵۲۸
آقای علی ناصر سعیدی
 بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در دهستان سعیدی کرمان برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۱۸-۸۶۱
آقای جواد شریعت زاده سردفتر ازدواج قراء قه و سار و اوقان حومه کاشان
 نظر باینکه تحت تعقیب دادگاه جنحه واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفتر ازدواج معلق می نماید .
 وزیر دادگستری

شماره ۲۲۳۸-۱۱۵۱
آقای سید حسین عصار سردفتر اسناد رسمی و ازدواج خرم آباد
 بموجب این ابلاغ دفتر شمارا در شهر خرم آباد برای ثبت طلاق رسمیت میدهد .
 وزیر دادگستری